

مطالعه گرایشات گریز از مرکز قومی - فرقه‌ای در ایران
با تاکید بر اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)

نویسندگان

احد نوری اصل

زهره قموشی رامندی

سرشناسه:	نوری اصل، احد، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور:	مطالعه گرایش‌های گریز از مرکز قومی - فرقه‌ای در ایران با تأکید بر اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) نویسنده احد نوری اصل، زهره قموشی رامندی، تهران: ایده سبز، ۱۳۹۲.
مشخصات نشر:	۱۷۶ ص: مصور، جدول: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
مشخصات ظاهری:	۷-۴-۹۳۲۸۵-۶۰۰-۷۸
شابک:	فیبا
وضعیت فهرست‌نویسی:	کتابنامه: ص. ۱۷۶.
یادداشت:	خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۳۶۸
موضوع:	موضوع: نظریه‌های سیاسی و اجتماعی
موضوع:	خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۳۶۸
موضوع:	موضوع: نظریه درباره کردستان
موضوع:	موضوع: کردان - ایران - رابطه با دولت
موضوع:	موضوع: کردان - ایران - هویت قومی
موضوع:	موضوع: کردان - ایران - سیاست و حکومت
موضوع:	موضوع: کردان - ایران - تاریخ
موضوع:	موضوع: کردستان - روابط قومی
موضوع:	موضوع: کردستان - تاریخ - جنبش‌ها - قیام‌ها
شناسه افزوده:	قموشی رامندی - ۱۳۶۴ -
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۲ ع ۴۵/۳۷/۲۰ DSR
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۹۸۴
شماره کتابشناسی ملی:	۳۱۱۳۸۴۴



ناشر ایده سبز

مطالعه گرایش‌های گریز از مرکز قومی - فرقه‌ای در ایران با تأکید بر اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)

نویسندگان: احد نوری اصل و زهره قموشی رامندی

طراحی جلد: مسلم یاری‌خواه

صفحه‌آرایی: مجتبی ملکی خیمه‌سری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۸۵-۷-۴

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

nasr_ideh_sabz@yahoo.com

<http://nasr-ideh-sabz.blogfa.com>

(همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است)

فهرست مطالب

۷	چکیده
۹	مقدمه و چارچوب تحلیلی

فصل اول: تقابل تاریخی مرکز - حاشیه

۱۹	بند اول: اختلاف فرهنگی-فرقه‌ای با دولت مرکزی
۲۹	بند دوم: ضعف اقتصادی حاشیه نسبت به مرکز
۴۰	بند سوم: ضعف امنیتی حاشیه (ضعف نظامی مرکز)
۴۵	بند چهارم: مقابله نظامی با روسای قبایل (حذف روسای قبایل)
۵۷	بند پنجم: کشمکش بین نخبگان حکومتی و اپوزیسیون

فصل دوم: وفاداری قبیله‌ای و رفتار عشیره‌ای

۷۵	بند اول: عشیره گرای سنتی (قبیله‌ای - فرقه‌ای)
۸۳	بند دوم: عشیره گرای مدرن (قومی-فرقه‌ای)

فصل سوم: دخالت‌های خارجی؛ تنش در مرزهای کردستان

۱۰۱	گفتار اول: نیروهای منطقه ای و تحولات کردستان ایران
۱۰۱	تنش منطقه‌ای با کشورهای همسایه کردنشین
۱۰۸	تاثیر گروه‌های قومی کرد در ترکیه و عراق
۱۱۴	گفتار دوم: تاثیرات و مداخلات فرا منطقه ای
۱۲۲	کارتر و حمایت از گروهک های تجزیه طلب

فصل چهارم: اندیشه و عملکرد امام خمینی^(ع) در کردستان
(راه‌جویی برای پیشگیری)

۱۶۱

سخن‌رانی

۱۶۵

منابع

۱۶۳

منابع لاتین

چکیده

با این که مطالعات ملی و قومی در ایران از گستردگی فراوانی برخوردار است و آثار زیادی در این زمینه نگاشته شده است، اما این حوزه مطالعاتی از پراکندگی، رویاگرایی زیستواره ای، تک بعدی بودن، تا جلوه های واکرایانه و صرفاً بنیاد فکن رنج می برد. در پژوهش حاضر با کنار گذاشتن دیدگاه های ارزشی و با استفاده از مستندات تاریخی و جامعه شناختی بر روی دو پرسش بنیادین "چرایی شکل گیری تحرکات و نزاع های قومی-فرقه ای در ایران" و "چگونگی پیشگیری از چنین چالشها" تمرکز شده است. در پاسخ به این پرسشها، بر مبنای واقعیت های زیست بومی تاریخی و با تمرکز بر روی کردستان به عنوان مهد نزاع های قومی-فرقه ای در ایران، سه عامل؛ تقابل مرکز-حاشیه قبیله گرائی و رفتارهای عشیره ای و مداخلات و تأثیرات خارجی به عنوان علل شکل گیری تحرکات گریز از مرکز قومی-فرقه ای در ایران فرض شده اند. این عوامل به ترتیب در سه فصل مورد بررسی قرار گرفته است و سپس در فصل چهارم با بررسی اندیشه و عملکرد امام خمینی (ره) در مورد تحرکات قومی-فرقه ای در کردستان به کالبدشکافی فرضیات فوق پرداخته خواهد شد و در پایان راهکارهای مناسب براساس اندیشه و عمل امام خمینی (ره) ارائه میگردد.

مقدمه و چارچوب تحلیلی

هرچند کردها بعد از فروپاشی حکومت مادها و ظهور هخامنشیان و سلسله ای بعد از آن (یعنی، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان) همواره نیروی اصلی حکومت مرکزی برای حفاظت از مرزهای غربی امپراتوری ایران بوده‌اند و در مقابل رومیان و دیگر مهاجران خارجی مرزبانان شایسته‌ای برای این امپراتوری بوده‌اند. اما این مرزبانان تا جنگ‌های اعراب و ایرانیان در گمنامی سیاسی به سر می‌بردند و می‌توان شروع تحرکات سیاسی کردها را با حمله اعراب به ایران همزمان دانست.

با فتوحات اعراب، کردها از گمنامی سیاسی بدر آمدند و به کرات و دفعات دیرپایی شهرتشان را با سرکشی سیاسی تایید کردند. کردها برای نخستین بار طی فتوحات اسلامی در بین‌النهرین، در ۶۳۷ میلادی، با اعراب تماس یافتند. قبایل کرد در امپراتوری ساسانی عاملی مهم بودند و در بدو امر از کوشش‌های امپراتوری به مقاومت در برابر لشکریان اسلام در سالهای ۶۳۹ و ۶۴۴ سخت حمایت کردند. وقتی معلوم شد که کار امپراتوری ساخته است روسای کرد یکی پس از دیگری در برابر ارتش‌های عرب و دین جدید سر تسلیم فرود آوردند. (مک داول، ۱۳۸۰: ۷۰).

با اینکه این سرکشی‌های سیاسی علیه یک نیروی خارجی بود و ربطی به دولت مرکزی در ایران نداشت اما تداوم سلطه اعراب بر ایران و تداوم سلسله‌های پراکنده و پی‌درپی همچون؛ برمکیان-طاهریان، صفاریان، سامانیان، زیاریان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان و تیموریان در ایران، باعث شد سرکشی و حرکت‌های گویز از مرکز از سوی کردها هم تداوم داشته باشد. در این عصر با توجه به ضعف سلسله‌های حاکم و اتوانی در اداره سرزمین ایران به صورت کامل به حکومت‌های محلی اختیاراتی داده می‌شد که قبایل کرد هم از این اختیارات برخوردار گردیدند.

به هر حال حمله اعراب به ایران شروع سرکشی‌های سیاسی کردها بود و آنها را از گمنامی سیاسی در آورد و با تداوم سلسله‌های پراکنده و ضعیف در ایران اقتدار قبایل کرد هم به تدریج افزایش یافته و توانستند تا حدودی بر مناطق تحت نفوذ خود سلطه یافته و هر از گاهی چشم به شورش‌های علیه سلسله‌های قبیله‌ای دوخته باشند. بنابراین سرکشی‌های سیاسی کردها هم در موازات سلسله‌های مطرح شده تداوم یافت اما با ظهور صفویه سرکشی‌های و اقدامات گریز از مرکز کردها رنگ و بوی دیگری یافت.

با اینکه تقابل کردها با صفویه همچون اعراب مذهبی بود، اما کردها در برابر دین جدید اسلام که اعراب به ایران گسیل داده بودند به راحتی سر تسلیم فرود آوردند و تداوم سرکشی‌های آنها بعد از استقرار اعراب نه مذهبی، بلکه حالت قبیله‌ای و سیاسی یافت. این وضعیت اما در برابر صفویه شیعه مذهب متفاوت بود و آنها علاوه بر این که درگیری‌شان با صفویه حالت فرقه‌ای به خود گرفته (هرچند مایه‌های قبیله‌گرای هم در آن نهفته بود)، بلکه در همسایگی خود امپراتوری سنی مذهب عثمانی را می‌دیدند

که آن را به عنوان قدرتی "هم مسلک" و "هم فرقه" گاهاً بر صفویه شیعه مذهب ترجیح می‌دادند.

نکته دیگر اینکه، درگیری‌های کردها با صفویه و سرکشی‌های سیاسی بعد از آن تا زمان حاضر یک تفاوت بارزی با شروع آن در زمان حمله اعراب دارد و آن این است که درگیریها و تقابل قبیله‌ای - فرقه‌ای این بار نه علیه یک حکومت خارجی بلکه علیه یک حکومت مقتدر داخلی است که درصدد تحمیل مذهب رسمی کشور بر چهار گوشه‌ای کشور است که بر آن سلطه یافته است.

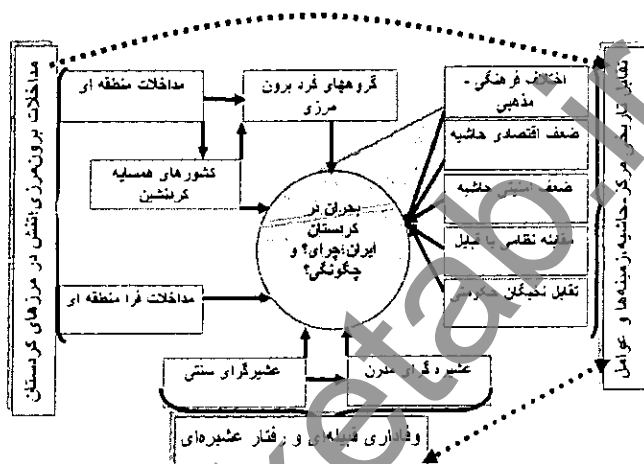
با این اوصاف و با توجه به چگونگی شکل‌گیری این سرکشی‌ها و با شروع آن علیه یک نیروی خارجی و تداوم آن در دوران مابعد ظهور حکومت صفویه تا به حال، بخصوص در مقاطع حساس که قدرت حکومت مرکزی به تحلیل رفته است، و با توجه به نکته‌ای که در آغاز این فصل در مورد علل پدیده‌های اجتماعی ذکر کردیم، چه‌علی‌را برای این اقدامات گریز از مرکز می‌توان به شمار آورد؟ خصلتهای حکومت مرکزی و کنش‌هایش در برخورد با قبایل کرد چه نقشی در برآوردن شورش‌های قبیله‌ای - فرقه‌ای در کردستان داشته‌اند؟ آیا ویژگیهای قبیله‌ای کردها و دیگر خصلت‌هایشان تأثیری بر انجام سرکشی‌های سیاسی آنها داشته‌است؟ و اسکه نیروی‌های خارجی در شکل‌گیری و تداوم فعالیت‌های گریز از مرکز کردها چه نقشی داشته‌اند؟

در علوم اجتماعی و مسائل مربوط به آن دستیابی به حقیقت امور و تلاش برای کشف علت واقعی پدیده‌ها به آن راحتی که در علوم طبیعی وجود دارد، نیست. چرا که علل اجتماعی برخلاف پدیده‌های فیزیکی و طبیعی از علت واحد و خاصی نمی‌توانند پیروی کنند و علل بسیاری در شکل‌گیری، تداوم و اصلاح و ناپدید شدن آنها دخیل هستند. لذا وقتی

پژوهشی در مورد مسائل اجتماعی شکل می‌گیرد نمیتوان تنها به یک علت اکتفا کرده و زمینه‌ها و دیگر علل وقوع پدیده را نادیده گرفت و بنابراین بایستی با یک چشم انداز و از زوایای مختلف پدیده مورد نظر را بررسی کرد. لذا در این پژوهش سعی می‌شود علل متنوع و مختلفی که منجر به گرایش‌ات گریز از مرکز کرده‌ها در چند صد سال اخیر شده‌اند را بررسی نماییم. اینکه چرا برخی گروه‌های کرد در برهه‌های حساسی که حکومت مرکزی تزلزلی به خود راه می‌دهد دست به شورش زده و علیه آن می‌شورند؟ در سه فصل اول مفصلاً کالبد شکافی خواهد شد.

با توجه به سناریوهای مطرح شده و عوامل پراکنده‌ای که در جریان‌ات و گرایش‌ات قومی-فرقه‌ای در کردستان ایران سهمیم هستند سئوالات مطرح شده را به این صورت می‌توان خلاصه کرد: عوامل تاثیرگذار در وقوع چالش‌های قومی-فرقه‌ای کردستان ایران به چه صورت در کنار هم قرار گرفته و باعث شکل‌گیری این بحران داخلی شده‌اند؟

الگوی تحلیلی این پژوهش بر مبنای یک فرض سه بعدی شکل گرفته است. به این صورت که تقابل تاریخی مرکز حاشیه، قبیله‌گرایی حاشیه و عوامل برون مرزی در شکل‌گیری این بحران سهمیم بوده‌اند در واقع این عوامل که خود ریشه در عوامل دیگر دارند در کنار هم قرار گرفته‌اند تا باعث چالش‌های قومی-فرقه‌ای کردستان ایران در مقاطع مختلف بخصوص با زوال حکومتها شده‌اند. چگونگی تاثیرگذاری و عوامل مؤثر بر وقوع این بحران داخلی به شکل زیر ترسیم شده است.



شکل شماره ۱: الگوی تحلیل: چرا؟ و چگونه؟ حرکات گریز از مرکز قومی

همان طور که در نمودار بالا ملاحظه می‌شود، در مورد عامل اول یعنی تقابل مرکز-حاشیه عواملی همچون اختلافات فرهنگی-مذهبی، ضعف اقتصادی و امنیتی حاشیه، مقابله نظامی حکومت مرکزی با قبایل و تقابل نخبگان حکومتی دخیل بوده‌اند. در واقع هریک از این عوامل سهمی در شکل‌گیری تقابل مرکز حاشیه داشته‌اند و دشمنی تاریخی حکومت مرکزی و نیروهای محلی در کردستان را باعث شده‌اند.

عامل مهم دیگری که مورد بررسی قرار می‌گیرد قبیله‌گرایی و رفتارهای عشیره‌ای در محل است. کردستان در طول تاریخ از قبایل و ایالاتی به هم تنیده‌ای شکل گرفته است که هیچ‌گاه نتوانسته‌اند رفتارهای قبیله‌ای و عشیرتی را از خود دور نگه دارند. هرچند قبیله‌گرایی سنتی به آن شکل که

تا دوران پهلوی اول در سراسر ایران وجود داشته به تدریج در حال کم رنگ شدن است و از کردستان هم در حال رخت بر بستن است. اما رفتارهای قومی بر آمده از قبیله‌گرایی سنتی کماکان در میان فعالان سیای کُرد همانند دیگر گروه‌های قومی در ایران وجود دارد. این رفتارهای عشیره‌ای در شکل‌گیری بحران‌های قومی-فرقه‌ای در ایران تأثیرگذار بوده است.

عامل مهم دیگر که تشدیدکننده دیگر عوامل داخلی بوده است مسئله مربوط به تأثیرات و مداخلات برون مرزی است. این عامل که برجستگی خاصی نسبت به عوامل دیگر دارد در شکل‌گیری چالش‌های محلی در کردستان ایران نقش ملموس‌تری دارد که باعث شده است در تحلیلهای نه‌ای اکثر پژوهشگران هم مورد تأکید اغراق آمیزی قرار گیرد تا جای که برخی از این تحلیل‌گران دیگر عوامل را کم رنگ تر یا اصلاً مورد بررسی قرار نمی‌دهند.

براساس این الگوی تحلیل، عوامل داخلی که نقش یک آتش زیر خاکستر دارند که متأثر از اوضاع و احوال کردستان برون مرزی و مداخلات خارجی فعال شده است و اگر نبود این مداخلات و تأثیرات برون مرزی، شاید بحران‌های قومی-فرقه‌ای در ایران شکل نمی‌گرفت. هرچند نظر دادن در این مورد قدری سخت است. اما به هر حال در اینکه این عوامل در کنار همدیگر توانسته‌اند بحران‌های کنونی را در کردستان ایران ایجاد کنند شکی نمی‌توان کرد. به هر حال عوامل خارجی هم در شروع نزاع‌های قومی و هم سیاسی کردن و در نتیجه تشدید آنها برای فشار بر حکومت مرکزی در ایران در مرحله نهائی سهم برجسته‌تری نسبت به دیگر عوامل داشته‌اند.

در پژوهش حاضر برای بررسی بهتر این الگوی تحلیل و تأثیراتش بر شروع و ادامه نزاع‌های قومی-فرقه‌ای در کردستان ایران سعی خواهد شد

همه این عوامل بر اساس مطالعات تاریخی و بر مبنای نوعی پژوهش جامعه شناختی تاریخی مورد کنکاش قرار گیرد. لذا با توجه به سئوالات مطرح شده و با توجه به پراکندگی و تعدد علل ظهور گرایشات گریز از مرکز قبایل و گروههای سیاسی کرد در مقابل حکومت مرکزی، در دوران مابعد ظهور صفویه تا دوران معاصر، در این پژوهش سعی شده است همه این علل در سه فصل تقسیم بندی شوند و در هر فصل علل مربوط به آن مورد بررسی قرار گیرد. در فصل اول "تقابل تاریخی حکومت مرکزی و قبایل حاشیه نشین" و در فصل دوم "وفاداری قبیله‌ای و رفتار قومیتی"، به عنوان علل داخلی بررسی خواهند شد و در فصل سوم "دخالت‌های خارجی؛ تنش در مرزهای کردستان" تاثیر نیروهای خارجی، چگونگی و علل تاثیرگزاری آنها، مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

و در ادامه این فصول جهت بررسی راهکارهای مناسب و تایید بیشتر فرضیات سه گانه، در فصل چهارم اندیشه و عملکرد امام خمینی در مورد گرایشات قومی-فرقه ای گریز از مرکز مورد بررسی قرار می گیرد. در واقع با توجه به تجربیات و اندیشه های امام خمینی (ره) در اوایل انقلاب این سؤال که: "چگونه می توان علل وقوع چنین حوادثی را مرتفع ساخت؟" پرستشی است که در فصل چهارم کالبدشکافی خواهد شد.